

### ■ پیش‌گفتار

علماء و فقهاء بزرگوار شیعه، پس از عصر پیامبر(ص) و در زمان غیبت ائمه(ع) به موجب روایات رسیده از ائمه اثنی‌عشر(ع) و طبق توقیع مبارک صادره از ناحیه مقدسه حضرت امام عصر(ع) با داشتن شرایطی ویژه، عموماً مقام جانشینی و نیابت عامه آن بزرگوار را دارا می‌باشند.

«فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه».

«آنکه از فقیهان خویشتن‌دار و دین‌نگهدار و مخالف هوا و خواهش نفس خود و فرمانبردار خداوند خویش باشد، پس بر توده مردم است که از او تقلید و پیروی نمایند».

آنان دزهای محکم شریعت و نگهبانان دین حجت خدا بر مردمند. بر کلیه شیعیان فرض است که در امور دینی و دنیوی بدانان مراجعه کرده و از آنان پیروی نمایند.

تاریخ زندگانی این بزرگواران، مشحون از افتخارات و ویژگیهایی است که نشانگر روشن‌بینی و شخصیت سازنده آنان، در جهت تحقق آرمانهای حیات بخش و سعادت آفرین اسلام است. آنان، عصاره‌های علم و تقوی و حقیقت و فضیلت‌اند که با رهبریهای ارزنده خود، با نیروی عظیم علم و ایمان و اخلاص، صفحات افتخارآمیزی در تاریخ گشوده‌اند. چهره‌های تابناک هر یک از آنان، همچون ستاره‌ای فروزان در آسمان پر شکوه اسلام

# زندگی علمی و اجتماعی محقق اردبیلی

محمد علی برزونی

شیعه است. او مجتهدی توانا، عالمی گرانقدر و نام آور و ستاره‌ای فروزنده در آسمان پر فروغ دین اسلام به شمار می‌رود. مولد شریف او شهر اردبیل بوده است.

شهر اردبیل در شرق آذربایجان و شمال غربی ایران، در ارتفاع تقریبی ۱۵۲۴ متری قرار گرفته است. این شهر در جلگه‌ای محصور و در میان کوههایی قرار دارد که مرتفع‌ترین آنها سبلان با ۴۸۱۰ متر، آتشفشان خاموشی است که حتی در تابستان به ندرت برفهای آن کاملاً ذوب می‌شود و پیکر تناورش در ۲۰ مایلی غرب شهر سر برافراشته است.<sup>(۱)</sup> اردبیل به خاک خوب، آب شیرین و لطافت هوا مشهور است و رودهای بسیار در آن جریان دارد. بنای این شهر توسط فیروز شاه بوده است.<sup>(۲)</sup> واکر هیتس در مورد مهاجرت ادعایی فیروزشاه از یمن به آذربایجان، صحبت کرده است.<sup>(۳)</sup> بعضی گفته‌اند که اردبیل منسوب به اردبیل بن نبطی بن یونان است.<sup>(۴)</sup> در این شهر، قبر شاه اسماعیل صفوی مؤسس سلسله صفویه و نیز مزار شیخ صفی الدین اردبیلی که از صوفیه و مورد توجه عامه مردم بوده است، وجود دارد.

از تاریخ تولد مقدس اردبیلی اطلاع درستی در دست نیست. متأسفانه در کتب تراجم و شرح حال سال تولد او ضبط نشده است. با مراجعه‌ای که به کتب مختلف در این زمینه شد، نتوانستیم به تاریخ تولد او دست بیابیم. فقط این نکته مسلم است که نشو و نمو او در قرن دهم ه. بوده است.

در خصوص ابناء و اجداد و والدین و نیز فرزندان محقق، مطلب بخصوصی در تذکره‌ها نیافتیم و تنها به ذکر دو نمونه از پدر و مادر ایشان، که نشانگر علت ارجمندی مقام آنان و محقق است، بسنده می‌کنیم.

شیخ محمد، پدر محقق، در روزگار جوانی، از

می‌درخشد و مورد احترام و تکریم است. آنان را بر گردن ما حقوقی بس بزرگ است. برماست که یادشان را گرمی داریم و دستخوش فراموشی و نسیان نسازیم. بلکه سعی در بهره‌وری از آثار ارزنده آنان و آشنایی با زندگی پر تحرک و سازنده آن بزرگان داشته باشیم، تا رهگشای جامعه بزرگ اسلامی، خاصه رهپویان طریق علم و دانش باشد. شناخت تاریخ شیعه در قرون گذشته، صرفنظر از اهمیت تاریخی آن، از جهت ارزیابی بخش مهمی از میراث فکری رجال و مشاهیر دیانت و فقاہت نیز درخور اهمیت است. آشنایی با زندگی بزرگان دین و پیشوایان شریعت که به نحوی در تحولات تاریخی مطرح بوده‌اند و یا به دلیل نقشی که در ادوار فقه و اجتهاد داشته‌اند، ضروری است.

اکنون تاریخ را ورق می‌زنیم و از خلال آن، چهره انسانی وارسته و پرهیزگار، اندیشمندی توانا، عالمی متعهد، فقیهی ژرف اندیش و شخصیتی ممتاز در جامعه انسانی را به تماشا می‌نشینیم که در راه تبیین معارف الهی و روشنگری دینی و تبلیغ دین خداوند، گامهای استواری برداشت و در کشاکش روزگار، رسالت خویش را اداء کرد، و در تاریخ اسلام نقش و اثر به جا ماندنی پدید آورد. او ستاره پر فروغ آسمان فقاہت و اجتهاد، ضرب المثل قداست و تقوی، عالم ربانی و فقیه صمدانی، مولانا محقق، احمد بن محمد اردبیلی، از اعظم علمای شیعه در قرن دهم ه. ق است.

## ■ بخش ۱ - تولد

مولانا محقق احمد بن محمد اردبیلی نجفی معروف به مقدس، مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی از مفاخر علمای امامیه در قرن دهم ه. در عهد صفویه و از محققین و فضیلاي روزگار و از مقدسین و متورعین و از فقهاء و متکلمین بزرگ

انتظار داشت عروس خود را کور و کچل و لال و فلج ملاقات کند، اما بر خلاف توصیفی که از دختر شده بود با دوشیزه‌ای زیباروی و سالم رویرو گردید.

در شگفت شد و سبب را سؤال کرد. چنین پاسخ شنید. او کور است، چرا که تا به حال چشمانش به نامحرم دوخته نشده است. او کچل است، چون مویش را تاکنون نامحرم ندیده است. او لال است از آن روی که صدایش را نامحرم نشنیده است و فلج است چونکه تا حال از خانه پا به بیرون ننهاده است. شیخ محمد شکر خدای را به جای آورد.

آری از چنین پدر و مادری، چنان پسر باید.\* و نیز از مادر محقق که علویه بود، سبب مقام ارجمند فرزندش را سؤال کردند، گفت: من هرگز لقمه شبیه ناک نخوردم و قبل از شیر دادن بچه وضو می‌گرفتم و ابداً چشم به نامحرم نینداختم و در تربیت کودک بعد از شیر گرفتن کوشیدم و نظافت و طهارت او را مراعات داشتم و با بچه‌های خوب او را می‌نشاندم.<sup>(۵)</sup>

### ■ بخش ۲ - تحصیلات، اساتید و مشایخ

محقق، علوم معقول (حکمت و فلسفه) را در شیراز، نزد مولانا جمال الدین محمود شیرازی که از بزرگترین شاگردان مولانا محقق جلال الدین دوانی بوده و کرسی تدریس او را پس از وفاتش به عهده گرفته و از اطراف و اکناف به حوزه درسش می‌آمده‌اند، فرا گرفته است.

احمد امین رازی در تذکره هفت اقلیم می‌نویسد: «خواجه جمال الدین محمود از فضیلتی عصر بوده، علمش بی‌نهایت و عملش بی‌غایت و از

راهی می‌گذشت. نگاهش به سببی می‌افتد که روی آب غوطه‌ور بود. سیب را از آب گرفت و به خوردن آن مشغول شد. به خاطرش رسید که ممکن است صاحب این سیب راضی نباشد. با مشقت صاحب باغ را پیدا کرد و از او برای خوردن سیب رضایت طلبید. صاحب باغ از سخن او در شگفت شد و از ایمان او خرسند گشت. فکری به ذهنش خطور کرد. دختری داشت پاکدامن و علویه و در جستجوی کسی بود که از ایمان قوی برخوردار باشد. او را مناسب تشخیص داد. هم جوان بود و هم با ایمان. به او گفت: از سببی که خورده‌ای راضی نخواهم شد، مگر اینکه به یک شرط من، جامه عمل بپوشانی. شیخ محمد گفت: هر شرطی باشد می‌پذیرم. صاحب باغ گفت: شرط من برای رضایت، ازدواج تو با دختر من است و ادامه داد که دختر من چند عیب دارد. کور و کچل و لال و مفلوج است. برای اینکه من راضی بشوم، باید تو با دخترم عروسی کنی. شیخ محمد یکه خورد. گمان نمی‌کرد با چنین شرطی رویرو شود. برای خاطر یک سیب باید با دختری ازدواج کند که کور و کچل و لال و فلج است. از طرف دیگر چه می‌توانست بکند؟ ایمان او نهیب می‌زد که باید به خاطر سیب از صاحبش رضایت بطلبد. رضایت صاحب باغ نیز منوط به ازدواج او با دختر معیوب وی است. سعی کرد صاحب باغ را از این تصمیم منصرف کند، لکن او زیربار نمی‌رفت و بر شرط خود ایستاده بود و پافشاری می‌کرد. پس چاره‌ای نداشت. باید به خاطر خدا پا روی نفس خود بگذارد و در عنفوان جوانی‌اش بر خلاف میل باطنی، با دختری دارای چندین عیب ازدواج کند، تا رضایت صاحب باغ را جلب نماید. شرط را قبول کرد و به ازدواج ناخواسته تن در داد.

در شب زفاف با منظره عجیبی رویرو شد.

\* داستان یاد شده قطعاً ساختگی است و نظیر آن را به پدر ابراهیم، ادهم نیز نسبت داده‌اند. «ویراستار»

می‌کند و در اجازه روایت از ایشان شریک پدرش شیخ علی میسی بوده است که علامه مجلسی، در ضمن اجازات «بحارالانوار» آن را آورده است. (۱۱) شیخ ظهیرالدین از شهید ثانی نیز اجازه روایت داشته است که تاریخ آن ۹۵۷ هـ قمری است. (۱۲) از شیخ ظهیرالدین، محقق اردبیلی، مولی محمود تستری شهید ثالث و نیز صاحب رجال کبیر روایت می‌کنند.

از جمله علومی که محقق بدان روی آورده است، علم هیأت و نجوم و افلاک و ریاضیات بوده است. با مطالعه مبحث قبله در کتب فقهی ایشان، روشن می‌شود که محقق از محضر علامه منجم و ریاضیدان، مولی الیاس اردبیلی که دایی او بوده است، استفاده کرده است. مولی الیاس اردبیلی از اعلام و دانشمندان قرن دهم هـ. ق بوده و مورد مراجعه در تمام علوم، خاصه در علوم نجوم و هندسه و یگانه عصر در علوم ریاضی بوده است. (۱۳)

در کتاب «مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان» که مهمترین کتاب فقهی اوست، می‌خوانیم: «اهل علم هیأت در این زمان بسیار کم‌اند و ما منحصرأ این علم را در نزد دایی علامه خود یافتیم». (۱۴) و در کتاب «آیات الاحکام» خود به نام «زبدۃ البیان فی براهین احکام القرآن» دایی خویش مولی الیاس اردبیلی را در علم هیأت بی‌نظیر خوانده است. (۱۵)

### ■ بخش ۳ - شاگردان

در شناخت یک شخصیت حداقل چهار چیز اهمیت دارد:

۱- والدین و مربیان: خانواده و پدر و مادر و نیز استادان و معلمینی که علم آموز او بوده‌اند در شناخت یک فرد و میزان علم او، مؤثر است. هر چه

تلامذه جلال الدین محمد دوانی است. جمیع فضلالی آن عصر و زمان از جمله تلامذه وی بوده‌اند. مانند مولانا احمد اردبیلی، مولانا عبدالله شوشتری، مولانا عبدالله یزدی، خواجه افضل ترکه، میر فخرالدین همای، شاه ابو محمد شیرازی، مولانا میرزا جان باغندی شیرازی و میر فتح الله شوشتری (شیرازی). (۶)

شرکای درس او در محضر جمال الدین محمود، ملا عبدالله یزدی صاحب حاشیه تهذیب لفظ تفتازانی و نیز ملا میرزا جان باغندی رده‌اند. (۷)

محقق در اواسط عمر و یا اواخر آن، موقعی که نجف اشرف بود، از تدریس عقلیات سرباز زد و آهنگامی که از دنیا رفت به تدریس نقلیات داخ. (۸) در هر حال از حکما نیز به شمار می‌رود. اساتید وی در علوم منقول، به تفصیل روشن است و آنچه از کتب شرح حال بر می‌آید، این است محقق، منقولات را از محضر تلامذه شهید ثانی و معی از دانشمندان عراق و مشاهد معظمه استفاده ده است. در کتب به دو نفر از اساتید و مشایخ او فقه و حدیث اشاره رفته است.

طبق نقل علامه نوری در خاتمه مستدرک، بق از سید علی بن حسین بن محمد بن محمد نور به صائغ حسینی عاملی جزینی که شارح ابع الاسلام» محقق حلی و ارشاد الاذهان علامه ، بوده است و از بزرگان شاگردان شهید ثانی ، اجازه روایت داشته است، (۹) چنانکه علامه سی نیز در آغاز کتاب الاربعین خود به آن اشاره است. (۱۰)

ماحب تکمله «امل الامل» یکی از مشایخ او را ظهیرالدین بن نور الدین علی بن تاج الدین نالی میسی فرزند شیخ علی میسی معرفی است. شیخ ظهیرالدین از محقق کرکی روایت

بزرگان فضلاء و فحول علماء که همگی فرسان میدان علم و عبادت و تقوی و زهدات بوده‌اند، از شاگردان ایشانند. تأثیر او بر روح و زندگی علمی و اجتماعی شاگردانش بسیار بود. ذیلاً نام برخی از شاگردان او و مطالبی پیرامون هر کدام آورده می‌شود:

۱- جمال الدین شیخ حسن بن زین الدین شهید ثانی (متوفی ۱۰۱۱ هـ) معروف به صاحب معالم از اکابر تلامذه او بوده است. نام بعضی کتب او: «معالم الدین و ملاذ المجتهدین»، «مستفی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان» و «تحریر طاووسی» می‌باشد.

۲- سید محمد بن علی بن الحسین بن ابی الحسن الحسینی الموسوی الجبعی العاملی (متوفی ۱۰۰۹ هـ) معروف به صاحب مدارک از افاضل شاگردان او بوده است. بعضی کتب او «مدارک الاحکام»، «نهاية المرام» و تعلیقات و... است ایشان نواده دختری شهید ثانی بود و همراه با دایی خود، شیخ حسن صاحب معالم به نجف آمده و از محضر محقق استفاده کرده‌اند. این دو به تعبیر صاحب «امل الاصل» مانند دو اسب مسابقه بودند و هر کدام از آنها به دیگری اقتدا می‌نمود. (۱۶)

صاحب معالم و صاحب مدارک پس از آمدن به نجف اشرف به حلقه درس محقق وارد شدند. در آغاز ملاقات با محقق، درخواست کردند، که ایشان مواردی را که استنباط احکام بدان وابسته است، به آن دو بیاموزد و از تدریس موارد غیر ضروری در استنباط و اجتهاد بپرهیزد. محقق درخواست آن دو را اجابت نمود. نخست منطق و اشکال ضروری آن را فرا داد و سپس آنان را به خواندن «شرح تهذیب الاصول» عمیدی تشویق نمود و از تدریس مواردی که به نظر او در اجتهاد و استنباط احکام از منابع معتبر شرعی مدخلیتی نداشتند، سرباز می‌زد و از

مقام و منزلت علمی و عملی آنان افزون‌تر باشد، در شکل‌گیری شخصیت شاگرد به نحو مطلوب، تأثیر بسزایی دارد.

۲- شاگردان: شاگردانی که در محضر او تربیت شده‌اند و به تعبیری «عصاره علوم» استاد خود هستند.

۳- آثار قلمی: آثار قلمی، سرمایه‌های گرانقدر و گویای واقعی و جاویدان شخصیت و میزان علم و معرفت اویند و چه نیکو فرمود پیامبر (ص) که: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء».

۴- رفتار و کردار: اعمال او و اثرگذاری عینی او بر خواص و عوام در جامعه نیز سهم بسزایی، در شناخت شخصیت یک فرد دارد.

با توجه به سیر زندگی علمی و اجتماعی محقق، چهار مطلب فوق را می‌توان در باره ایشان بررسی نمود: پدر و مادر محقق از ایمان قوی و سلامت نفس برخوردار بودند، همچنانکه از نقل ماجرا پیدا بود. اساتید و مشایخ او، همه از بزرگان علم و اندیشه اسلامی و سالکان طریق معرفت الهی بودند. شاگردان او چنانکه خواهیم دید، هر کدامشان همچون مشعلی فروزان و چراغی تابناک، در بلاد بزرگ اسلامی درخشیدند و شمع هدایت جامعه شدند. آثار قلمی او که در تاریخ مسطور است، بیانگر قدرت تحقیق، عمق‌گرایی علمی، ژرف‌کاوی و چندسویه‌نگری ایشان است و محققان علوم اسلامی و پژوهشگران را معدنی است ارزشمند و پایان‌ناپذیر از دانستنیها. چراکه او خود مجموعه‌ای از معارف و فرهنگ عالی اسلام بود. رفتار و کردار او نمونه و آنقدر با فضل و تقوی مانوس بود که مشهور به مقدس گردید. در مطالب آینده پیرامون ابعاد مختلف زندگی او، بیشتر سخن خواهیم گفت.

محقق به تربیت شاگردان بسیاری در علوم مختلف اسلامی همت گماشت و گروهی از

خواست به جبل عامل برگردد، از استادش محقق، چیزی به عنوان یادگاری خواست. محقق بزرگوار نیز بعضی از احادیث را با خط خودش در صحیفه‌ای نوشت و در پایان آن، اینچنین نگاشت:

«کتابه العبد احمد لمولاه امتثالاً لامره و رجاء لتذکره وعدم نسیانه اياه فی خلواته وعقیب صلواته وفقه الله لما یحبه ویرضاه بمنه وکرمه بمحمد وآله صلوات الله علیه وآله» (۲۰)

شیخ حسن از شیخ احمد بن حسن عاملی و از سید نورالدین علی بن الحسین والد سید محمد صاحب مدارک و از سید علی بن الحسین صائغ و از شیخ حسین والد شیخ بهایی و از محقق اردبیلی روایت می‌کند که همه آنان از شهید ثانی روایت می‌کنند، به جز محقق اردبیلی که از سید علی صائغ روایت می‌نماید. (۲۱)

کتاب مهم شیخ حسن، متنی مرتب و پاکیزه در علم اصول فقه است که به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» خود نوشت. این متن راه را برای بحثهای متمرکز در مباحث اصول فقه گشود و دانشمندان بسیاری پس از او به شرح و تحشیه این کتاب اقدام کردند و همین بحثها و اظهار نظرها و نقد و ایرادات در پیشبرد علم اصول فقه بسیار مؤثر افتاد.

۳ - مولی عبدالله بن حسین تستری (شوشتری) از دیگر تلامذ محقق است که از او اجازه نیز دارد. نقل شده است که ملا عبدالله نزدیک سی سال در خدمت محقق بوده است و محقق به ملا اجازه اقامه جمعه و جماعت و تلقین مسائل اجتهادی را داده است. (۲۲) مولی عبدالله، ظاهراً از شاگردان خواجه جمال الدین محمود شیرازی که نیز به شمار می‌آید او «القیه» شهید اول را نیز شرح کرده است. (۲۳)

۴ - امیر سید فضل الله بن امیر سید محمد استرآبادی که رساله‌ای نیز در رد استادش محقق و

توضیح و تحقیق در باره آن خودداری می‌نمود. به آن دو نیز اجازه نمی‌داد که آن مسأله را بر او قرائت کنند. در نتیجه از آن مسأله گذشته و به تحقیق مسأله دیگری که نافع‌تر بود می‌پرداخت. (۱۷)

هنگامی که آن دو به تحصیل نزد محقق اشتغال داشتند، محقق نیز مشغول نوشتن شرح «ارشاد الاذهان» علامه حلی بود و نوشته‌اند که اوراقی از نوشته‌های خود را به آن دو می‌داد و می‌فرمود: «در عبارت آن نظر بیفکنید و هرچه را خواستید اصلاح کنید. من می‌دانم که بعضی از عبارات آن غیر فصیح است.» (۱۸) این عمل ارزشمند محقق تواضع علمی فوق العاده محقق را می‌رساند که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

گفته‌اند وقتی که آن دو به عراق وارد شدند و در نجف به حضور محقق رسیدند، از ایشان درخواست کردند، فقط مطالبی را که آن دو در هنگام مطالعه و مباحثه نفهمیده‌اند و یا نظر مخالفی در آن مسأله هست، محور بحث و درس خود قرار دهند، تا اتمام وقت صورت نگیرد. محقق این پیشنهاد را تحسین کرد و مورد اجابت قرار داد و آنان به همین رویه بسیاری از مسائل را نزد محقق خواندند بدون اینکه محقق مطلبی بگوید. گروهی از طلاب این شیوه تحصیل و تدریس را مورد استهزاء قرار می‌دادند. محقق به آنان فرمود: «زود باشد که این دو به جبل عامل باز گردند و پس از چندی تصنیفات آنان به دست شما برسد و شما آنها را کتاب درسی قرار دهید». این پیش‌بینی خیلی زود تحقق پیدا کرد. شیخ حسن کتاب «معالم الدین» را نوشت و سید محمد نیز کتاب «مدارک الاحکام» را، و این دو کتاب به عراق آمد و جزو کتب درسی طلاب قرار گرفت (۱۹) و بلکه هنوز هم «معالم» جزو کتب درسی در حوزه‌ها می‌باشد.

نوشته‌اند که وقتی شیخ حسن صاحب معالم

به خط خود، شرح ارشاد الازهان محقق به نام «مجمع الفائدة والبرهان» را در حیات آن بزرگوار، (در تاریخ رجب ۹۸۶ هـ) نوشته است. (۲۹)

۱۲- مولی زکی الدین عنایت الله بن شرف الدین علی القهپائی نجفی. این شخص فردی رجالی است و مؤلف کتاب «مجمع الرجال» و «ترتیب اخبار کتاب رجال الکشی» و «ترتیب رجال نجاشی» و غیر ذلک است. (۳۰)

آنچه بر شمردیم تعدادی از شاگردان محقق است که توانستیم نام آنها را به دست دهیم. آنچه مسلم است آن است که ایشان، شاگردان بسیاری داشته است. چرا که رئیس آن عصر، (۳۱) شیخ الطائفه و از هدهد مردم در زمان خود بود. (۳۲) بنابراین بزرگان علماء و دانشمندان و حکماء و اجلاً وقت، از محضر شریف وی استفاده علمی و عملی برده‌اند و آنچه عنوان شد، تلامذه مشهور وی بوده‌اند.

در پایان بحث از شاگردان، لازم است به ذکر چند توضیح مبادرت ورزیم.

الف) در ذیل شماره ۶ نام شاگردان محقق، مطلبی را از میرزا محمد استرآبادی آورده‌ایم. همچنانکه ذکر کردیم ایشان از محقق سؤال می‌کند که مرجع بعد از محقق کیست؟ پاسخ حضرت محقق به این سؤال در کتب به دو گونه آورده شده است. آنجا که محقق می‌فرماید: در امور شرعی به امیر علام رجوع نمایید، همه کتب تراجم متفق القولند. اما در مورد مرجع در امور عقلی در کتب اختلاف دیده می‌شود.

در «اعیان الشیعه»، «روضات الجنات» و «خاتمه مستدرک الوسائل»، مرجع امور عقلی را امیر فضل الله ذکر کرده‌اند و در کتب متأخر نیز به نقل از همین کتب مطلب را آورده‌اند. اما در «فوائد الرضویه» و نیز مقدمه «حدیقه الشیعه محقق»، مرجع امور عقلی امیر فیض الله عنوان شده است. آنچه از قرائن

نظریه او در طهارت خمر دارد. (۲۴) این شخص که اطلاع درستی نیز از احوال او به دست نیامده، از شاگردان میرداماد بوده است و از بزرگان شاگردان محقق محسوب می‌شود.

۵- امیر سید فیض الله بن عبدالقاهر حسینی تفریثی (متوفی ۱۰۲۵ هـ) که از خواص تلامذ محقق و نیز محدث جلیلی بوده است که «اثنی عشریه» را شرح نموده است. همچنین «مختلف الشیعه» علامه حلی و «زبدة البیان» استادش محقق اردبیلی را حاشیه نموده است. این سید جلیل، بر اسرار محقق مطلع بوده و بعضی کرامات برای آن بزرگوار نقل نموده است. (۲۵)

۶- امیر علام تفریثی از شاگردان مبرز محقق بوده است.

از میرزا محمد استرآبادی، یکی دیگر از شاگردان محقق منقول است که ایشان هنگام وفات محقق، سؤال می‌کند: پس از شما چه کسی قابلیت مرجعیت دارد؟ محقق پاسخ می‌دهد: «در شرعیات به امیر علام و در عقلیات به میر فیض الله رجوع کنید». (۲۶)

۷- میرزا محمد استرآبادی که قضیه سؤال ایشان را از محقق در مورد مرجع بعد از ایشان نقل کردیم.

۸- خواجه فضل الدین محمد ترکه که همانند صاحب معالم و صاحب مدارک از ارشد تلامذ محقق بوده است. احتمالاً ایشان نیز جزو شاگردان محضر خواجه جمال الدین محمود بوده است. همچنانکه در «تذکره هفت اقلیم» از احمد امین رازی آمده است. (۲۷) نام ایشان خواجه افضل نیز ذکر شده است.

۹- مولانا حمزه که از حکماء اردبیل بوده و در تاریخ ۱۰۹۹ هـ به مرض طاعون در گذشته است. (۲۸)

۱۰- مولانا ضیاء الدین محمد بن محمود کاشانی.

۱۱- سید عباس بن محمد موسوی بیابانکی که

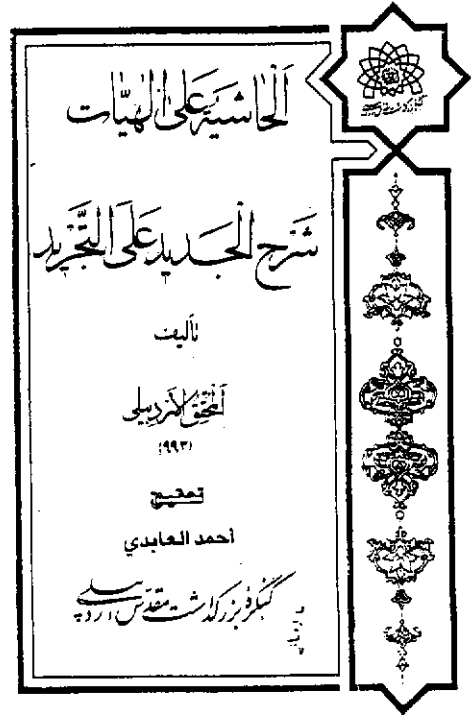
گویا مؤلف محترم دقت کافی نکرده‌اند که مراد صاحب امل‌الامل از «سید محمد» همان «صاحب مدارک» (متوفی ۱۰۰۹ هـ) نواده دختری شهید ثانی و خواهر زاده شیخ حسن صاحب معالم (متوفی ۱۰۱۱ هـ) بوده است.

ج) نیز در کتاب «تاریخ اردبیل» مؤلف محترم، در ذیل نام شاگردان از مولی عبدالله شوشتری در شماره ۸ نام برده و در شماره ۹ مجدداً نوشته است «المولی الثقة الزاهد عز الدین عبدالله بن حسین شوشتری اصفهانی صاحب شرح الفیه شهید به نقل از الذریعه، ج ۱۳» (۳۴) ظاهراً هر دوی این بزرگان یک نفرند و صاحب تاریخ اردبیل که شماره ۹ را به نقل از آقا بزرگ در «الذریعه» آورده است، دقت کافی مبذول نداشته‌اند. امیدواریم مؤلفین در این باب، تحقیق کافی بنمایند.

د) صاحب روضات الجنات ذیل نام شاگردان محقق نام «سید نعمه الله جزایری» را نیز آورده است. (۳۵) با توجه به تاریخ وفات سید نعمه الله جزایری که ۱۱۱۲ هـ است، بعید می‌نماید که مستقیم شاگردی محقق را کرده باشد. آنچه مسلم است سید جزایری نزد محقق سبزواری، فیض کاشانی و خونساری درس خوانده و از خونساری و مجلسی و امیر فیض الله نقل روایت می‌کند. بنابراین سید نعمه الله جزایری، شاگرد شاگردان محقق است و از آنان کسب فیض و روایت نقل کرده است.

#### ■ بخش ۴ - تألیفات و تصنیفات

محقق در مدت عمرش در موضوعات مختلف علوم اسلامی آثار قلمی و خدمات ارزنده‌ای به یادگار گذاشت. تألیفات و تصنیفات او از لحاظ کمیت، چندان زیاد نیست؛ ولی از لحاظ کیفیت ارزشمند و ماندگارند. او نیز همانند سایر علماء اسلامی متقدم، حق بزرگی برگردن دانش



پیداست. همان است که در متن هنگام ذکر مطلب به آن اشاره کرده‌ایم و مرجع امور عقلی را امیر فیض الله دانسته‌ایم. به نظر ما امیر فضل الله بیشتر در امور شرعی نزد محقق تلمذ کرده است و این مطلب از رساله‌ای که علیه استادش محقق در مورد نظر او که مبنی بر طهارت خمر نوشته است، روشن می‌گردد و این کار فقهاء می‌تواند باشد. لکن امیر فیض الله که از بزرگان تلامذه محقق بوده است، بر اسرار او نیز آگاه بوده و کرامات او را نیز نقل کرده است و به احتمال زیاد هم ایشان می‌تواند مرجع در علوم معقول پس از محقق باشد. گرچه پیرامون این مطلب، جای تحقیق هست.

ب) صاحب تاریخ اردبیل، در ذیل نام شاگردان محقق از صاحب مدارک دوبار نام برده‌اند. یکجا در شماره ۴ با عنوان صاحب مدارک (متوفی ۱۰۰۹ هـ) و یکجا نیز در شماره ۱۲ با عنوان «سید محمد بن علی بن حسین بن ابی الحسن الموسوی عاملی جبعی» به نقل از امل‌الامل جلد ۲ صفحه ۱۶۷. (۳۳)



عبارات آن را می نمود. (۳۹)

بعضی از مباحث آن با خط خوبی نوشته نشده بود و به تعبیر صاحب تکلمه امل الامل «جداً ردی» الخط بود. از شاگرد برجسته اش سید محمد موسوی صاحب مدارک درخواست شد که مباحثی را که به واسطه بدی خط مورد استفاده قرار نگرفته بود، تجدید شرح نماید تا کتاب به اتمام برسد. صاحب مدارک این پیشنهاد را قبول کرد، لکن به سبب احترام استادش به جای شرح «ارشاد الاذهان» علامه حلّی، کتاب «مختصر النافع» محقق حلّی را شرح نمود و نام آن را کتاب «نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام» نهاد که از ابتدای کتاب نکاح تا آخر آن مباحثی را که در شرح ارشاد الاذهان محقق اردبیلی دیده نمی شود، به شرح آن اقدام کرده است. (۴۰)

«مجمع الفائدة والبرهان» محقق از مشهورترین کتب در فقه استدلالی است و بسیار دقیق و تحقیقی کار شده است. در ۱۲۷۴ هـ قمری طی دو جلد ضخیم در تهران چاپ سنگی شده است. (۴۱) نظریات دقیق فقهی ایشان در این کتاب مورد توجه فقهاء است. لکن علی رغم اهمیت بسیار آن، نادر است و با این وجود اغلاط بسیاری در آن دیده می شود. اخیراً در ۱۴۰۲ هـ قمری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اقدام به تصحیح و چاپ مجدد آن کرده است و این کار به همت بعضی از فضلاء قم صورت پذیرفته است و تاکنون ۱۱ جلد آن با کیفیتی نکو چاپ شده که تا «کتاب المیراث» است و هنوز کتب بعدی آن چاپ نگردیده است.

یازده جلد چاپ شده حاوی کتب ذیل است:

- ۱- کتاب الطهارة ۲- کتاب الصلاة ۳- کتاب الزکاة
- ۴- کتاب الخمس ۵- کتاب الصوم ۶- کتاب الاعتکاف ۷- کتاب الحج ۸- کتاب الجهاد ۹- کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر ۱۰- کتاب المتاجر ۱۱- کتاب الشفعه ۱۲- کتاب الادیون

پژوهان دارد. تصانیف و تألیف محقق را با توضیحاتی پیرامون هر کدام ذیلاً از نظر می گذرانیم:

#### الف) آثار فقهی

۱- «مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان» این کتاب مهمترین کتاب جناب محقق است و در شرح کتاب «ارشاد الاذهان الی احکام الایمان» از علامه حلّی است. کتابی بزرگ و مشتمل بر تحقیقات فراوان، عمیق و ارزنده ای است، لیکن بعضی از کتب مثل نکاح و طلاق و عتق و وصایا در آن به چشم نمی خورد. گرچه به نظر می رسد که محقق بزرگوار، به شرح همه کتاب اقدام کرده است. همچنانکه از بعضی عبارات ایشان در کتاب دیگرشان «زبدة البیان» بدست می آید، در آنجا شرح و تفصیل مطالب را به کتب فقهی ارجاع داده اند. لکن به واسطه مرور زمان، یا بدی خط و عدم استنساخ از بین رفته است و در حال حاضر موجود نیست. (۳۶)

بعضی گفته اند آنچه در حال حاضر وجود ندارد، محقق به شرح آن توفیق حاصل کرده است، جز اینکه ناخوانی خط او باعث شده که به استنساخ آن اقدام نشود و به همین مناسبت از بین رفته است. (۳۷) کتاب فوق متضمن بسیاری از مطالب فلسفی بوده؛ به طوری که بعضی که آن را مورد بی عدالتی قرار داده و معتقدند: این چنین شرحی از طریقه فقها خارج است. (۳۸)

محقق این شرح را در ماه رمضان سال ۹۷۷ هـ قمری در کربلای معلی آغاز کرد و در سال ۹۸۵ هـ قمری از اتمام آن فارغ شد و همانطور که قبلاً اشاره کردیم، اوراق این شرح را بین شاگردانش بلاخص صاحب معالم و صاحب مدارک که قبلاً ذکرشان رفت، بخش می کرد و تقاضای اصلاح

می‌شود، «زبدة البيان في براهين احكام القرآن و تفسیر آیات احكام القرآن» دارای تحقیقات و فوائد بسیاری است و به «آیات الاحكام اردبیلی» نیز معروف است. محقق در ۹۸۹ هـ قمری از تألیف فارغ شده است. (۴۲) در این کتاب علاوه بر استخراج فروع فقهی از آیات شریفه قرآن مجید، در ابواب مختلف فقهی، جهات و جنبه‌های ادبی و نحوی و علوم بلاغی آیات نیز بررسی و تحقیق شده است. محقق ابواب فقهی را در این کتاب مطابق ترتیب کتاب آیات الاحكام فاضل مقداد سیوری (متوفای ۸۲۶ هـ) موسوم به «کنز العرفان فی فقه القرآن» که متقدم بر اوست، مرتب کرده است. مضافاً اینکه در برخی مباحث عمیق‌تر از فاضل تعداد و مفصل‌تر از آن کتاب به بررسی پرداخته است. او در جای جای کتاب، برخی از نظریات و استفاده‌های فقهی فاضل مقداد و استناد او به قرآن شریف را طرح و رد کرده است. «زبدة البيان» توسط محمد حسین بن حسن اشکوری به فارسی ترجمه شده است و در کتابخانه سید حسن صدر وجود دارد. (۴۳) نیز تلخیص و ترجمه‌ای از آن توسط دکتر سید جعفر سجادی که تاریخ چاپ اول آن ۱۳۶۲ هـ شمسی است صورت گرفته است.

عناوین کتب فقهی «زبدة البيان» چنین است:

- ۱- کتاب الطهارة ۲- کتاب الصلاة ۳- کتاب الصوم ۴- کتاب الزکاة ۵- کتاب الخمس ۶- کتاب الحج ۷- کتاب الجهاد ۸- کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر ۹- کتاب المکاسب ۱۰- کتاب البیع ۱۱- کتاب الودین و توابعه ۱۲- احکام الرهن ۱۳- احکام الضمان ۱۴- احکام الصلح ۱۵- احکام الوکالة ۱۶- کتاب فيه جمل من العقود ۱۷- کتاب النکاح ۱۸- کتاب الطلاق ۱۹- کتاب المطاعم و المشارب ۲۰- کتاب الموارث ۲۱- کتاب الحدود ۲۲- کتاب الجنایات ۲۳- کتاب القضاء و الشهادات.

- ۱۳- کتاب الرهن ۱۴- کتاب الحجر ۱۵- کتاب الضمان ۱۶- کتاب الحوالة ۱۷- کتاب الکفالة ۱۸- کتاب الصلح ۱۹- کتاب الاقرار ۲۰- کتاب الوکالة ۲۱- کتاب الاجارة ۲۲- کتاب المزارعة ۲۳- کتاب المساقاة ۲۴- کتاب الجسالة ۲۵- کتاب السبق و الرماية ۲۶- کتاب الشركة ۲۷- کتاب المضاربة ۲۸- کتاب الودیعة ۲۹- کتاب العارية ۳۰- کتاب اللقطة ۳۱- کتاب الغصب ۳۲- کتاب العطایا ۳۳- کتاب الصيد و الذبائح ۳۴- کتاب الاطعمة و الاشرية ۳۵- کتاب الميراث.

با توجه به عناوین بالا مشخص می‌شود که تعداد ۳۵ کتاب تاکنون طی یازده جلد چاپ و منتشر گردیده است. این نکته قابل ذکر است که در «کتاب العطایا» فقط مباحثی پیرامون هبه دیده می‌شود و از بقیه مباحث آن تحت عنوان هدیه و احکام آن چیزی در دست نیست. کتب باقیمانده که باید اقدام به چاپ و انتشار آنها شود عبارتند از:

- ۱- کتاب القضاء ۲- کتاب الشهادات ۳- کتاب الحدود ۴- کتاب الجنایات ۵- کتاب الودیات
- کتاب دیگری که از مجموعه فقهی «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان» محقق در دسترس نیست و ظاهراً به علت بدخطی استنساخ نشده است، به قرار ذیل است:

- ۱- کتاب النکاح ۲- کتاب الطلاق ۳- کتاب العتق ۴- کتاب الوصایا

که تحت نام «نهاية المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام و فی تمییم مجمع الفائدة و البرهان» توسط شاگرد میرز شمسید محمد، صاحب مدارک شرح و چاپ گردیده است. این کتاب نیز توسط مؤسسه نشر اسلامی با تحقیق و تصحیح فضلی حوزة علمیه قم منتشر گردیده است.

## ۲- «زبدة البيان في احكام القرآن»

این کتاب که با عناوین دیگری نیز خوانده

۹- مناسک حج به فارسی که صاحب ریاض العلماء آن را در دهخوارقان مطالعه کرده است. (۵۰)

۱۰- مسألة فی الذبیح که رساله‌ای است در کفایت بسمله ذابح جنب اگر چه قصد خواندن یکی از سوره عزائم را داشته باشد. (۵۱)

۱۱- تعلیقات و حاشیه بر قواعد علامه که صاحب ریاض العلماء آن را در مشهد رضوی دیده است.

۱۲- تعلیقات بر «تذکره» علامه در فقه که صاحب ریاض العلماء این کتاب و کتاب پیشین را به خط خود محقق در کربلا دیده است (۵۲) و نیز از کلمات محقق در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» مثل بحث تیمم روشن می‌شود که چنین کتابی نگاشته شده است.

#### ب) آثار اصولی

۱۳- حاشیه بر شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب عضدی که فقط بر مباحث اجماع آن حاشیه زده است. و صاحب ریاض العلماء آن را به خط خود محقق دیده است. (۵۳)

۱۴- رساله فی الاجتهاد والتقلید.

۱۵- رساله فی ان الامر مستلزم للهنی عن ضده که تحت عنوان «مقالة فی الامر بالشیء» نیز معروف است. (۵۴)

#### ج) آثار کلامی و فلسفی

۱۶- استیناس المعنویه که از کتب کلامی عربی است و صاحب تاریخ اردبیل آن را به اشتباه «استیناس الموده» خوانده است. (۵۵)

۱۷- اصول الدین که یک نسخه از آن در کتابخانه رضویه در مشهد مقدس موجود است.

۱۸- رساله اثبات الواجب که صاحب ریحانة الادب معتقد است، همان «اصول الدین» مذکور

کتاب «زبدة البیان» در ۱۳۰۵ هجری قمری در تهران به طبع رسیده است.

در اینجا مناسب است اشاره‌ای داشته باشیم به اشتباهی که صاحب ریاض العلماء مرتکب شده‌اند. ایشان در ذیل آثار محقق، «زبدة البیان» را به نقل از مولانا سلطان حسین استرآبادی در کتاب «تحفة المؤمنین» ذکر کرده و سپس آورده است:

«ممکن است این اثر همان شرح ارشاد باشد که به نام «زبدة البیان فی شرح ارشاد الاذهان» تألیف شده است.» (۴۴)

احتمالاً صاحب ریاض العلماء دقت لازم را نفرموده و بدون تحقیق، مطلب فوق را عنوان نموده‌اند؛ ما با تذکر این مطلب وظیفه خود را در قبال علماء و آثارشان انجام داده‌ایم.

۳- الزبده در فقه

۴- تعلیقه بر خراجیه شیخ علی کرکی (۴۵)

۵- رساله فی الخراج که در مجموعه کلمات المحققین، در تهران (مورخ ۱۳۱۳ ه) چاپ گردیده است و در هامش «درر الفرائد» آخوند خراسانی (تاریخ ۱۳۱۸ ه) چاپ سنگی شده است. (۴۶)

۶- رساله مختصری در خراج که همراه رساله پیش چاپ شده است. (۴۷) محقق این دو رساله کوتاه را در اثبات حرمت گرفتن خراج نگاشته است. نیز در این دو رساله در باره مفتوح العنوة بودن زمینهای عراق و دیگر زمینها به دلیل عدم حضور امام معصوم (ع) تردید کرده و دلایل و شواهد متعددی را بر حرمت اخذ خراج آورده است.

۷- رساله‌ای در تحقیق آیه حیض «ویسئلونک عن المحیض» او در «زبدة البیان» آورده است: «در تحقیق آیه حیض همراه با احکام آن رساله‌ای جامع با اقوال و ابحاث و تحقیقات تصنیف کرده‌ایم هر که خواهد به آن رجوع نماید.» (۴۸)

۸- رساله در صلاة و صوم به فارسی. (۴۹)

عده‌ای مثل محقق سبزواری معتقدند که این کتاب از معز الدین میر میران اردستانی است که برای قطب شاه هندی (در سال ۱۰۸۵ هـ) تألیف کرده است و ذمّ صوفیه از ملحقات آن است و سپس به نام محقق انتشار داده‌اند. (۶۷)

در مقابل، عده کثیری از علماء «حدیقة الشیعة» را از محقق دانسته و شهرت آن را مانند اشتهار خورشید می‌دانند. از این عده‌اند: صاحب امل الاصل، (۶۸) صاحب معارف الرجال، (۶۹) صاحب فوائد الرضویه، (۷۰) صاحب ریاض العلماء، (۷۱) صاحب ریحانة الادب، (۷۲) صاحب حدائق (۷۳) و صاحب مستدرک الوسائل. (۷۴) ضمناً لازم به توضیح است که کتاب حدیقة الشیعة دو جلد است. جلد اول در احوالات نبی اکرم (ص) است و تاکنون چاپ نگردیده است و جلد دوم در احوالات ائمه اطهار (ع) و امامت است و همین جلد چاپ و منتشر شده است.

آنطور که بر می‌آید «حدیقة الشیعة» از تصنیفات حضرت محقق است. همچنانکه اجلّه علماء آن را از او دانسته‌اند. نیز محقق در حدیقة الشیعة مباحثی را به کتاب «زبدة البیان» و «مجمع الفائدة والبرهان» خود ارجاع داده است. به علاوه در قرن دهم مخالفت با صوفیان در حد قبایل توجهی وجود داشته است و این تلاشها از جانب علماء از زمان شاه طهماسب صفوی آغاز شده است. محقق کرکی «المطاعن المجرمیه فی رد الصوفیه» را نوشت. شیخ حسن فرزند محقق کرکی نیز کتابی با عنوان «عمدة المقال فی کفر اهل الضلال» داشته است و «حدیقة الشیعة» محقق اردبیلی نیز کتاب دیگری است که برای مخالفت با صوفیان نوشته شده است. (۷۵) در خصوص بحثهای فوق هر دو دسته موافق و مخالف دلایلی را برشمرده‌اند که برای پرهیز از اطاله کلام، از نقل آنها خودداری می‌کنیم و طالبین را

است، (۵۶) لکن صاحب اعیان الشیعه این دو را، دو کتاب جدا می‌داند. (۵۷)

۱۹ - اثبات الامامه که رساله فارسی و مبسوطی در امامت است. (۵۸)

۲۰ - حواشی بر کتاب کاشف الحق. (۵۹)

۲۱ - ربیع الابرار فی اثبات حقانیه الائمة الاطهار و مطاعن اعدائهم و اکثر اصحابه. (۶۰)

۲۲ - رساله‌ای راجع به افعال الله تعالی که معلل به غرض است و صاحب ریاض العلماء آن را در مازندران دیده است. (۶۱)

۲۳ - شرح الهیات تجرید قوشجی که در آن قائل به وحدت وجود شده است. (۶۲)

۲۴ - شرح الهیات شفاء ابن سینا.

۲۵ - عقائد الاسلام که به لغت ترکی عثمانی است و حاوی جمیع مباحث کلام عقلی و نقلی می‌باشد. سید مصطفی تفریسی در کتاب رجالش می‌نویسد: «من برای ترجمه کردن آن به عربی دعوت شدم، لکن آن دعوت را اجابت نکردم». (۶۳)

۲۶ - النص الجلی فی امامة مولانا علی (ع). (۶۴)

(د) سایر آثار محقق

۲۷ - بحر المناقب. (۶۵)

۲۸ - رساله در عدم حجیت قول اصحاب که می‌گویند: زمان خالی از مجتهد نمی‌باشد. صاحب ریاض العلماء آن را به خط امیر شرف الدین شولستانی که از خط پسر مؤلف استنساخ کرده است، در استرآباد دیده است. (۶۶)

۲۹ - «حدیقة الشیعة» در خصوص کتاب «حدیقة الشیعة» بحثهای بسیاری شده است و بعضی نسبت این کتاب را به محقق بعید دانسته و آن را دروغ می‌شمارند و معتقدند که این کتاب از بعضی ضد متصوفین است و به واسطه استفاده از نام و مقام محقق، آن را به ایشان نسبت داده‌اند.

به کتب مربوطه ارجاع می‌دهیم. (۷۶)

مطلبی که اینجا قابل ذکر است، اشتباهی است که در کتاب «تاریخ العلماء» دیده می‌شود. مؤلف محترم نام کتاب «حدیقه الشیعه» را «زبدۃ الشیعه» نوشته است، (۷۷) که امیدواریم در چاپهای بعدی این کتاب، مطلب اصلاح گردد.

### بخش ۵ - وقایعی از زندگی اجتماعی محقق

تاریخ زندگی رهبران دینی و شخصیت‌های اسلامی که عصاره‌های علم و تقوی و فضیلت و حقیقت‌اند، مشحون از افتخارات و ویژگی‌هایی است که نشانگر روشن بینی و شخصیت سازنده آنان است. آن بزرگواران انسانها را با علم و عمل خود به سوی خودسازی و خود جوشی و آزادگی و وصول به مقام والای انسانی، سوق می‌دهند. چهره‌های تابناک هر یک از آنان همچون ستاره‌های فروزان در آسمان پر شکوه اسلام درخشان است و زندگی پر تحرک و سازنده آنان رهگشای جامعه است.

در باره محقق، این مرد بزرگ، مطلب برای نوشتن زیاد است. ابعاد گوناگون زندگی، زمان، محیط و روحيات او باید مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. او شخصیتی بود با ابعاد مختلف. چهره علمی او در وادی علم و تحقیق از اوج و شکوفایی برخوردار است و چهره معنوی او در میدان عمل و تقدس سیمای قداست مردی است با ایمانی استوار. او را «شیخ الطائفه» و «آزهد زمان» خوانند و «مقدسش» نامند. او در هر دو جولانگاه تحقیق و تقدس ممتاز بود و گوی سبقت را از همگان ربود. ایمان را با عمل توأم ساخت و عشق و عقل را در یکجا گرد آورد.

گذری داریم به برخی از وقایعی که در زندگی محقق روی داده است تا از رهگذر آنها به مقام زهد و تقوا و علم و عمل ایشان، پی ببریم.

سید نعمه الله جزایری در «الانوار النعمانیة» می‌نویسد: «محقق در سال قحطی خوراکی‌هایی را که در منزل حاضر داشت، بین فقرا تقسیم می‌کرد و برای خود و خانواده‌اش نیز به اندازه یک سهم برمی‌داشت». (۷۸)

محقق از کثرت ورع و تقوی، در سفر زیارت کربلا که از نجف مشرف می‌شد، احتیاط می‌کرد و جمع بین قصر و اتمام می‌نمود. در بیان دلیل می‌فرمود: طلب علم واجب است و زیارت حضرت سید الشهداء (ع) مستحب، بنابر اینکه امر به شیء مقتضی نهی از ضد آن است، محتمل است که سفر زیارت، سفر معصیت باشد، چرا که طلب علم واجب عینی است و در تعارض با امر مستحب، نهی متوجه مستحب است، پس سفر مستحبی زیارتی، سفر معصیت محسوب می‌شود و شکی نیست که در سفر معصیت، باید جمع بین قصر و اتمام را نمود. (۷۹)

این حکایت، اهتمام محقق را به امر علم از سویی و به تقوی و احتیاط از سوی دیگر نشان می‌دهد. هر چند که ایشان در سفرهای زیارتی نیز دست از مطالعه و تحقیق بر نمی‌داشت. همچنانکه علماء را دأب چنین است و در سفر و حضر به تحقیق و مطالعه همت می‌گمارند و به عبارتی زندگی آنان با علم آمیخته است.

از زهد و پارسایی بی‌اندازه او نقل کرده‌اند که موقعی در راه، یکی از زوار نجف که محقق را نمی‌شناخت، به او برخورد کرد و از آنجا که لباس وی ژنده و مندرس بود، ایشان را فقیر پنداشت. از محقق درخواست کرد که جامه‌های وی را در کنار آب بشوید و پس از خشک شدن برای او بیاورد. محقق بدون هیچ اظهار ناراحتی، جامه‌های او را گرفته و در کنار آب، مرتب شسته، خشک کرده و به نزد او آورد. وقتی که خواست لباسها را به مرد

برخی دیگر را که نشان از عظمت محقق دارد، در جای خود نقل خواهیم کرد. موارد بسیار دیگری نیز در کتب تراجم و شرح حال آمده است.<sup>(۸۲)</sup>

### بخش ۶ - پایان زندگی

همچنانکه پیشتر گذشت، در کتب تراجم و شرح حال، از ریخ تولد محقق ذکری به میان نیامده است، لیکن در تاریخ وفات آن جناب اختلافی نیست. رحلت آن اندیشمند فرزانه را در ماه صفر سال نهصد و نود و سه هجری (مطابق با ۹۶۳ خورشیدی و ۱۵۸۴ میلادی) در نجف اشرف ذکر کرده‌اند.<sup>(۸۳)</sup>

مقبره محقق معروف و مشهور است و در ایوان طلای بارگاه مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)، در ردیف اشخاص موسوم به «احمد»، در حجره متصل به خزانه علوی و مناره جنوبی، مدفون گردیده است. قبرش مزار و مورد توجه عام و خاص می‌باشد. کمتر کسی است که از رواق و ایوان طلای شرقی بگذرد و فاتحه‌ای نثار روح مقدس محقق ننماید و استمداد از روح ملکوتی وی نجوید.

صاحب نخبه المقال<sup>(۸۴)</sup> در شعر ذیل تاریخ وفات محقق را تعیین نموده است:

الاردبیلی من الاعاظم<sup>(۸۵)</sup>

منه استجاز صاحب المعالم

مقدس ذورع وعفة

وفاته فی الالف الا السبعة

ترجمه شعر چنین است: اردبیلی از بزرگان است و صاحب معالم از او اجازه اجتهاد دارد. او مقدس و پرهیزکار و دارای عفت نفس است. در سال نهصد و نود و سه درگذشت.

شیخ محمد سماوی در ماده تاریخ وفات محقق گوید:

برگرداند، بعضی از آشنایان که محقق را می‌شناختند آن مرد را سرزنش کردند که چرا به چنین فرد بزرگواری توهین نموده‌ای؟ محقق فرمود: جای هیچگونه توبیخی نیست، زیرا حقوق برادران مؤمن ما بالاتر از شستن لباس آنهاست.<sup>(۸۰)</sup>

جا دارد که از کنار این حکایت و وقایعی از این دست، به آسانی نگذریم، بلکه به آنها با دیده تعمق و تأمل بنگریم و مرام این مردان الهی را در مرأی و منظر خود قرار داده و درس رفتار و کردار صحیح را بیاموزیم. بزرگ مردان باید که چنین باشند. هر چه علم و فضل آنان بیشتر باشد باید از تواضع افزونتری نیز بهره‌مند باشند. انسان که درخت هر چه پر بارتر است، شاخه‌هایش از خمیدگی و افتادگی بیشتری برخوردار است.

عادت محقق آن بود که از غذای حلال از هر راهی که باشد استفاده می‌کرد و به بد و خوب و مناسب یا نامناسب بودن آن اعتنایی نداشت و می‌فرمود: آنچه از جمع اخبار به دست می‌آید، آن است که خدای متعال دوست دارد اثر نعمتش را در هنگام فراوانی، از بندگان خودش مشاهده فرماید. همچنانکه دوست دارد در موقع ناتوانی به قناعت به سر برند و صبر نمایند. او هیچگاه عطیه کسی را رد نمی‌کرد و اگر شخصی از او درخواست می‌نمود تا لباس نوی را که به او تقدیم می‌شود، بپوشد، می‌پذیرفت. مکرر اتفاق می‌افتاد که عمامه‌های گرانمایی به او تقدیم می‌شد. محقق آن را به سر می‌گذازد و با همان عمامه به زیارت می‌رفت و هرگاه سائلی از او تقاضا می‌کرد، مقداری از آن را جدا می‌گرد و به او می‌داد و پیوسته از آن عمامه می‌یرید تا موقعی که به خانه باز می‌گشت، بیشتر از یک ذراع از آن باقی نمانده بود.<sup>(۸۱)</sup>

از زندگی محقق حکایات و کرامات بسیار نقل کرده‌اند که ما به اختصار مواردی را نقل کردیم و

وشیخنا احمد الاردبیلی  
مصنف الاحکام فی التنزیل  
مرقدہ فی البهو خیر مرقد  
تاریخہ «ہب القضا بأحمد»

این تاریخ بر خلاف نوشته مترجمان ۹۹۴ هـ است. ممکن است الف قضا همچنانکه برای

ضرورت حذف می شود. در ماده تاریخ هم به حساب نیاید که در این صورت ۹۹۳ هـ خواهد شد و صحیح است. مرحوم جابری نیز تاریخ وفات محقق را سال ۹۹۲ هـ نوشته است که صحیح نیست. (۸۶)

## ● یادداشتها

- ۱- ایران عصر صفوی، ص ۱.
- ۲- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۰.
- ۳- ایران عصر صفوی، ص ۲ به نقل از واکتر هینتس در کتاب خود «تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاووس جهانداری، بهمن ۶۴، نشر کمسیون معارف صفحه ۳ و ۱۶۱.
- ۴- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۰.
- ۵- وفيات العلماء یا دانشمندان اسلامی، ص ۷۰ و ۷۱.
- ۶- مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۴۱۲.
- ۷- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۱ به نقل از حدائق المقربین شیخ یوسف بحرانی / نیز: روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۱، ص ۱۱۹.
- ۸- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ص ۸۹.
- ۹- روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۹ / نیز: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، خاتمه (ج ۳)، ص ۳۹۲ / نیز: تکملة امل الامل، ص ۲۹۶.
- ۱۰- کتاب الأربعین، ص ۵.
- ۱۱- تکملة امل الامل، ص ۲۴۸.
- ۱۲- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، مقدمه کلاتر، ص ۱۸۰.
- ۱۳- شرح احوال مولی الیاس اردبیلی را در کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان»، فخر الدین موسوی اردبیلی نجفی، چاپ نجف اشرف، ۱۳۴۷ ش، ج ۱، ص ۱۲۴ به بعد مطالعه فرمائید.
- ۱۴- مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۲، ص ۷۱-۷۲.
- ۱۵- زبدة البیان فی احکام القرآن، ص ۶۷.
- ۱۶- امل الامل، ج ۱، ص ۵۸ و ۱۶۷.
- ۱۷- تکملة امل الامل، ص ۱۳۹ / نیز: مبادئ فقه و اصول - ص ۳۷۰ / نیز اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۲ / نیز: ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۱۸- تکملة امل الامل، ص ۱۳۹ / نیز: معالم الدین و ملاذ المجتهدین، صفحه د به نقل از منتقى الجمال از همو. / نیز: مقایس الانوار فی احکام النبی المختار، ص ۱۵.
- ۱۹- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۲ / نیز: مبادئ فقه و اصول، ص ۳۷۱.
- ۲۰- مقایس الانوار، ص ۱۵ / نیز: هدیة الاحباب، ص ۲۰۱.
- ۲۱- هدیة الاحباب، ص ۲۰۲.
- ۲۲- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۲.
- ۲۳- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۸۸.
- ۲۴- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۲ / نیز: روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۵.
- ۲۵- منتهی الامال، جلد سوم، تتمه المنتهی در تاریخ خلفاء.
- ۲۶- اعیان الشیعه، جلد سوم، ص ۸۲ / نیز: حدیقة الشیعه، مقدمه به قلم مصحح / نیز: فوائد الرضویه، زندگانی علمای مذهب شیعه، ج ۱، ص ۲۸ / نیز: روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷ / نیز: مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۵.
- ۲۷- رک: شماره ۶.
- ۲۸- تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۶۰.
- ۲۹- در مورد شماره ۱۰ و ۱۱ رک: همان.
- ۳۰- منتهی الامال جلد سوم تتمه المنتهی.
- ۳۱- تکملة امل الامل، ص ۳۵۴.
- ۳۲- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۲.
- ۳۳ و ۳۴- تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۶۰.
- ۳۵- روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۹.
- ۳۶- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۴.
- ۳۷- رجوع کنید: ریاض العلماء، ص ۸۹ / نیز: الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۳۶.

- ۳۸- روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۰ و همین نظر به صحت نزدیکتر است چنانچه از بعضی مطالب او در ابواب دیگر کتاب روشن می شود که محقق ارجاع به مبحث خود داده است. رجوع کنید برای نمونه به مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۱۰۴ که ارجاع به کتاب نکاح داده است. / نیز زیادة البیان، ص ۳۴ که بحث حجاب را به شرح ارشاد ارجاع داده است.
- ۳۹- تکملة امل الامل، ص ۳۵۵ / نیز: مقابس الأنوار، ص ۱۵.
- ۴۰- تکملة امل الامل، ص ۳۵۵ / نیز: الذریعة، ج ۲، ص ۳۶، این کتاب که در تمهیم مجمع الفائدة والبرهان تألیف شده است توسط مؤسسه نشر اسلامی با تحقیق اشتهاودی، عراقی و یزدی اصفهانی چاپ و منتشر گردیده است.
- ۴۱- الذریعة، ج ۲، ص ۳۶ / نیز: مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۲۰۴.
- ۴۲- ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب یا کنیة والقب، ج ۳، ص ۳۶۹.
- ۴۳- فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله اسلامی در زبان فارسی، ص ۱۰۵.
- ۴۴- ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۴۵- در مورد شماره ۳ و ۴: تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۵۰.
- ۴۶- مقدمه ای بر فقه شیعه، صفحه ۲۰۶.
- ۴۷- همان. صفحه ۲۰۷ / نیز: ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۶۹، دو رساله محقق در خراج در کتاب «الخراجیات» که توسط مؤسسه نشر اسلامی اخیراً چاپ شده، آمده است.
- ۴۸- زیادة البیان، ص ۳۵.
- ۴۹- مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۲۰۷ و ۳۸۱.
- ۵۰- همان. صفحه ۲۰۶ و ۳۸۱ / نیز: ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۵۱- مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۲۰۷.
- ۵۲ و ۵۳- ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۵۴- معجم المؤلفی الشیعه، ص ۱۷.
- ۵۵- نام آوران فرهنگ ایران، ص ۳۸ / نیز: تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۵۰.
- ۵۶- ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۶۹.
- ۵۷- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۸۲.
- ۵۸ و ۵۹- ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۶۰- تاریخ اردبیل، ج ۱، ص ۵۰.
- ۶۱- ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۶۲- طبقات اعلام الشیعه، اعیان الدائر من القرن العاشر، ج ۷، ص ۸.
- ۶۳- معارف الرجال فی تراجم العلماء والادباء، ج ۱، ص ۵۳.
- ۶۴- طبقات اعلام الشیعه، ج ۷، ص ۸.
- ۶۵- معجم المؤلفی الشیعه، ص ۱۷.
- ۶۶- ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۶۷- روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۱۲۲ / نیز: طبقات اعلام الشیعه، ج ۷، ص ۸.
- ۶۸- امل الامل، ج ۲، ص ۲۳.
- ۶۹- معارف الرجال، ص ۵۳ به نقل از امل الامل.
- ۷۰- فوائد الرضویه، ص ۲۷.
- ۷۱- ریاض العلماء، ص ۸۹.
- ۷۲- ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۶۹.
- ۷۳- ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۷۰ به نقل از حدائق المقربین شیخ یوسف بحرانی.
- ۷۴- ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۷۰ / نیز: فوائد الرضویه، ص ۲۸ هر دو به نقل از علامه نوری در خانمه مستدرک.
- ۷۵- جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید: دین و سیاست در دوره صفوی، ص ۲۲۱ به بعد.
- ۷۶- برای نمونه نگاه کنید: طبقات اعلام الشیعه، ج ۷، ص ۸ و ۹ / نیز: فوائد الرضویه، ص ۲۷ و ۲۸ / نیز: روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۰ تا ۱۲۳ / نیز: ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.
- ۷۷- تاریخ العلماء، عبر العصور المختلفة، ص ۳۷.
- ۷۸- الأنوار النعمانیة، ج ۲، ص ۳۰۲.
- ۷۹- هدیه الاحباب، ص ۲۶۳ / نیز: ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۶۸.
- ۸۰- فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۲۳ / نیز: روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۸.
- ۸۱- الأنوار النعمانیة، ج ۲، ص ۳۰۲ / نیز: فوائد الرضویه، ج ۱، ص ۲۳.
- ۸۲- با توجه به درجه بالای علمی و رتبه عظمای فقهی که محقق از آن برخوردار است، بعید می نماید که بسیاری از حکایات و کرامات نقل شده، صحیح باشد. به نظر می رسد عده ای برای نشان دادن تقوای محقق و بالا بردن مقام او نزد عامه مردم، برخی مبالغه ها و حکایات را برای ایشان ساخته اند، تا به زعم خود، مقام بالای ایشان را نشان دهند، همچنانکه برای اکثر بزرگان چنین است. غافل از اینکه این حکایات درجه علمی و فسقات این بزرگان را تحت تأثیر منفی قرار می دهد. همچنانکه گفته اند: یکی از موارد کوبیدن فردی بد دفاع کردن از اوست. الله اعلم بالصواب.
- ۸۴- ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۷۰ / نیز: حدیقه الشیعه، مقدمه.
- ۸۵- این بیت در کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان» ج ۱، ص ۷۲ به صورت دیگری نقل شده است:  
الاردبیلی من الافاضل  
منه استفاد صاحب المعالم  
که با توجه به فنون ادب شعری و قافیه این بیت، به نظر می رسد همان بیت که در متن ذکر کردیم صحیح باشد.
- ۸۶- روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۳.